

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

﴿ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ ﴾ (آن همان خداوند است).

أَنْظُرُ	لِتِلْكَ	الشَّجَرَه	ذاتِ	الْغُصُونِ	النَّصِيرَه
نگاه کن	به آن	درخت	دارای	شاخه‌ها	تر و تازه

به آن درختِ دارای شاخه‌های تر و تازه نگاه کن.

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	وَ	كَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَه
چگونه	رشد کرد	از	دانه	و	چگونه	شد	درخت

چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه یک درخت شد؟

فَابْحَثْ	وَ	قُلْ	مَنْ	ذَا	الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	الثَّمَرَه
پس تحقیق کن	و	بگو	کیست	این	کسی که	در می‌آورد	از آن	میوه

پس تحقیق کن و بگو این کیست که از آن [درخت] میوه را درمی‌آورد؟

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الشَّمْسِ	الَّتِي	جَدَوْتُهَا	مُسْتَعِرَه
و نگاه کن	به	خورشید	که	پارهٔ آتش آن	فروزان

و به خورشید نگاه کن که پارهٔ آتشِ آن فروزان است.

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَ	بِهَا	حَرَارَةٌ	مُنْتَشِرَه
در آن	روشنایی	و	با آن	گرما	پخش‌شونده

در آن [خورشید] روشنایی هست و با آن گرما و حرارتی پخش‌شونده هست.

مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي	الْجَوِّ	مِثْلَ	الشَّرَرَه
کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در	آسمان	مثل	پارهٔ آتش

این کیست که آن [خورشید] را همانند پارهٔ آتش در آسمان پدید آورد؟

ذَاكَ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمَهُ	مُنْهَمِرَه
آن	او	خدا	که	نعمت‌هایش	ریزان

آن، همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذو	حِكْمَةٍ	بِالْغَيْه	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَه
صاحب	دانش	کامل	و	توانایی	نیرومند

[خداوند] صاحب دانشی کامل و توانایی نیرومندی است.

أَنْظُرْ	إِلَى	اللَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَه
نگاه کن	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه

به شب نگاه کن پس چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟

وَ	زَانَهُ	بِالنَّجْمِ	كَالدَّرَرِ	الْمُنْتَشِرَه
و	زینت داد آن را	با ستاره‌ها	مانندِ مرواریدها	پراکنده

و آن را با ستارگانی که مانند مرواریدهای پراکنده است، زینت داد.

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الْغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَه
و نگاه کن	به	ابر	پس چه کسی	نازل کرد	از آن	باران

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن باران را نازل کرد؟

۱. الشاعر: معروف الرصافي، شاعر عراقي من أب كردي السَّيِّد وَ أُمُّ تُرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ أَنَاثٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.

(شاعر: معروف رصافی، شاعری عراقی از پدری کردی‌الأصل و مادری ترکمن است. او آثار بسیاری در نثر و شعر دارد.)

واژگان

قُلْ: بگو مُسْتَعِر، مُسْتَعِرَة: فروزان مُسْتَعِين: یاری جوینده (مُسْتَعِيناً بـ: با کمک) مَطَار: فرودگاه مَعَ الْأَسْف: متأسفانه مُنْهَمِر، مُنْهَمِرَة: ریزان نَضِرَة: تر و تازه نَمَتْ: رشد کرد (مؤنث نما) (ماضی: نما / مضارع: يَنْمُو) يُخْرِج: درمی آورد (ماضی: أَخْرَجَ / مصدر: إِخْرَاج) يَدُوْر: می چرخد	«مَنْ ذَا: این کیست؟» ذات، ذو: دارای ذالك: آن زان: زینت داد (مضارع: يَزِينُ) شَرَزَة: اخگر (پاره آتش، زبانه آتش) صار: شد (مضارع: يَصِيْرُ) صَع: بگذار (وَصَّع: گذاشت) ضياء: روشنایی عَيِّن: مشخص کن (ماضی: عَيَّنَ / مضارع: يَعَيِّنُ) عُصُون: شاخه ها (مفرد: عُصْن) عَيم: ابر فَراغ: جای خالی قاعة: سالن	أَنْ ... که، این که ... أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم أَنْجَم: ستارگان (مفرد: نجم) أَنْزَلَ: نازل کرد (مضارع: يُنْزِلُ) أَنْعَم: نعمت ها أَوْجَدَ: پدید آورد (مضارع: يُوجِدُ) بالغ: کامل بَحْث: پژوهش (جمع: أَبْحاث) تَرْجَم: ترجمه کن (ماضی: تَرَجَمَ / مضارع: يُتَرَجِمُ) تَعَاُف: آشنایی [با همدیگر] جَذْوَة: پاره آتش دَار: چرخید (مضارع: يَدُوْر: می چرخد) دُور: مرواریدها (مفرد: دُر) ذا: این ← هَذَا
--	---	---

متضاد	لِسان = لُغَة	شَرَزَة = جَذْوَة	رَقَدَ = نَام	عَيم = سَحَاب	ضِياء = نور
متضاد	حَبِيب = صَدِيق دوست	مُجْتَبَد = مَجْد کوشا، تلاشگر	ناجِح = مُوَفَّق، فائِز موفق، قبول شده، پیروز	ذا = هَذَا این	ثَمَر = فَاكِهَة میوه
متضاد	حَزِين ≠ مَسْرور غمگین ≠ خوشحال	قَبِيح ≠ جَمِيل زشت ≠ زیبا	رَخِيس ≠ غَالِيَة ارزان ≠ گران	بَعِيد ≠ قَرِيب دور ≠ نزدیک	حَبِيب ≠ عَدُو دوست ≠ دشمن
متضاد	ضِياء ≠ ظُلْمَة روشنایی ≠ تاریکی	بَدَايَة ≠ نَهايَة آغاز ≠ پایان	مَمْنوع ≠ مَسْمُوح غیرمجاز ≠ مجاز	لَيل ≠ نَهار شب ≠ روز	رَاسِب ≠ نَاجِح، فائِز مردود ≠ قبول، برنده
متضاد	بِيع ≠ شِراء فروش ≠ خرید				
جمع مکسر	أَحْجار ← حَجَر سنگ	جِبَال ← جَبَل کوه	دُور ← دُر مروارید	عُصُون، أَغْصان ← عُصْن شاخه	عَقارب ← عَقْرِبَة عقربه
جمع مکسر	أَنْعَم، نِعْم ← نِعْمَة نعمت	أَلوان ← لَوْن رنگ	أَنْجَم، نُجُوم ← نَجْم ستاره	أَصْدِقاء ← صَدِيق دوست	أَبْحاث ← بَحْث پژوهش

قواعد

یادآوری

در سال‌های گذشته با قواعد زبان عربی آشنا شدید. لغت‌های زیادی را که در گفت‌وگوهای روزمره از آن‌ها استفاده می‌شود، یاد گرفتید. در این درس می‌خواهیم مروری کوتاه بر قواعد داشته باشیم تا اگر چیزهایی از خاطرتان رفته باشد، یادآوری کنیم.

تقسیم‌بندی کلمه

- ۱- اسم
- ۲- فعل
- ۳- حرف

اسم

اسم از نظر جنس	مذکر	علامت خاصی ندارد و در جانداران بر جنس نر دلالت می‌کند. مانند: رَجُل (مرد)، کتاب
	مؤنث	علامت اصلی آن «ة / ة» است و در جانداران بر جنس ماده دلالت می‌کند. مانند: إمرأة (زن)، مِنْضدة (میز)، طالبة (دانشجو [ی دختر])

نکات

- در برخی کلمات مؤنث در زبان عربی این علامت وجود ندارد، ولی این کلمات را جزو اسم‌های مؤنث به شمار می‌آورند. مانند: شمس (خورشید)، أرض (زمین)، ریح (باد)، نار (آتش)، حرب (جنگ)، نفس (خود) و ...
- برخی اسم‌ها نیز علامت تأنیث ندارند، ولی در واقعیت این کلمات فقط بر جنس ماده دلالت می‌کنند. مانند: «أُم: مادر»، «بنت: دختر»، «مریم»
- اسم شهرها و کشورها هم مؤنث است. مانند: (إصفهان، ایران و ...)
- اعضای زوج بدن نیز مؤنث هستند. مانند: (عَین (چشم)، يَد (دست)، قَدَم (پا) و ...)

اسم از نظر تعداد	مفرد	بر یک نفر یا یک شیء دلالت می‌کند. مانند: طالب، کتاب
	مثنی	بر دو نفر یا دو شیء دلالت می‌کند. مانند: طالبان، طالبین (علامت مثنی: انِ / ـینِ)
	جمع	بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت کند. مانند: طُلّاب، طالبات

انواع جمع	جمع مذکر سالم	با افزودن «وَنَ» و «يَنَ» به آخر اسم مفرد مذکر ساخته می‌شود. مانند: مؤمنونَ، مؤمنینَ
	جمع مؤنث سالم	با افزودن «ات» به آخر اسم مفرد مؤنث ساخته می‌شود. مانند: مؤمنات
	جمع مکسر	قاعدهٔ خاصی ندارد و سماعی (شنیدنی) است. مانند: کُتُب ← کتاب / طُلّاب ← طالِب

نکته برای تشخیص جنس (مذکر یا مؤنث) در جمع‌های مکسر باید به مفرد آن‌ها توجه کنیم. مانند: مَدَارِس ← مَدْرَسَة: مؤنث

اسم اشاره

اسم اشاره	نزدیک	مفرد	مذکر: هذا، ذا (این) مؤنث: هَذِهِ (این)
		مثنی	مذکر: هَذَانِ، هَذَيْنِ (این دو) مؤنث: هَاتَانِ، هَاتَيْنِ (این دو)
		جمع	مذکر یا مؤنث: هَؤُلَاءِ (اینان)
	دور	مفرد	مذکر: ذَٰلِكَ، ذَاكَ (آن) مؤنث: تِلْكَ (آن)
		جمع	مذکر یا مؤنث: أُولَٰئِكَ (آنان)

نکته برای اشاره به جمع‌های مکسر غیر عاقل از اسم اشاره مفرد مؤنث استفاده می‌کنیم. **مثال** «هذه كُتُبٌ.»

کلمات پرسشی

نحوه پاسخ‌گویی	کلمات پرسشی
از «نعم» یا «لا» استفاده می‌کنیم. هل هذا عَنَب؟ نعم؛ هذا عَنَب. / لا؛ هذا تَفَاح.	هل، أ (آیا)
از نام شخص یا شغل او استفاده می‌کنیم. مَنْ هي فاطمة؟ مَنْ هو؟ هو معلم.	مَنْ (کیست، چه کسی)
از نام شیء استفاده می‌کنیم. ما هو؟ هو قلم. / ما هي؟ هي منضدة.	ما، ماذا (چیست، چه چیزی)
از حرف لِ + نام شخص یا شغل او استفاده می‌کنیم. لِمَنْ هذا القلم؟ لِعَلِيّ / لِلطَّالِبِ	لِمَنْ (برای چه کسی)
از حرف «لَآن» یا «لِ» به معنای «زیرا، برای این‌که» استفاده می‌کنیم. لِمَاذا ذهبتِ إلى بيت جدك؟ للمساعدة / لِمَاذا أنت كنت غائبا؟ لأتني كنت مريضاً.	لِمَاذا، لِم (برای چه)
از اسم‌های مکان و از جهات (فوق، جنب، تحت، أمام، وراء، خَلْف، على) و کلماتی مانند على اليمين، على اليسار و ... استفاده می‌کنیم. أين الأُم؟ في السيارة.	أين (کجا)
از نام شهر یا کشور استفاده می‌کنیم. مِنْ أين أنت؟ أنا مِنْ طهران. أنا طهرانيّ.	مِنْ أين (اهل کجا)
از اعداد استفاده می‌کنیم. كم كتاباً عندك؟ ثلاثة، تسعة، ...	كَمْ (چقدر)
از اسم زمان استفاده می‌کنیم. متى جئت؟ بعدالظهر، مساءً، ...	متى (کی، چه وقت)
از حالت یا وسیله انجام کار استفاده می‌کنیم. كيف أنت؟ أنا بخير. / كيف ذهبت؟ مسروراً، بالسَّيَّارة.	كيف (چگونه، چطور)

اعداد

اعداد اصلی

واحد	اثنان	ثلاثة	أربعة	خمسة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	أحد عشر	إثنا عشر
یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده
										دوازده

اعداد ترتیبی

مذكر	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
مؤنث	الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	الخامسة	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشرة	الحادية عشرة	الثانية عشرة
معنى	يكم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

ساعت

كم الساعة؟

(ساعت چند است؟)



السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ إِلَّا رُبْعاً.
(ساعت یک ربع مانده است به سه / ساعت دو و چهل و پنج دقیقه است)



السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ وَ الرَّبْع.
(ساعت سه و ربع است.)



السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ وَ النَّصْف.
(ساعت سه و نیم است.)



السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ تَمَاماً.
(ساعت سه تمام است.)

روزهای هفته

السَّبْتُ (شنبه)، الأَحَدُ (یکشنبه)، الإِثْنَيْنِ (دوشنبه)، الثَّلَاثاء (سه‌شنبه)، الأَرْبَعاء (چهارشنبه)، الخَمِيس (پنجشنبه)، الجُمُعَة (جمعه)

فصل‌های سال

الرَّبِيع (بهار)، الصَّيْف (تابستان)، الخَرِيف (پاییز)، الشَّتَاء (زمستان)

رنگ‌های اصلی

أَبْيَض (سفید)، أَسْوَد (سیاه)، أَحْمَر (قرمز)، أَخْضَر (سبز)، أَصْفَر (زرد)، أَزْوَاق (آبی)

اوزان

اگر در یک کلمه، به جای حروف اصلی آن کلمه، به ترتیب «ف، ع، ل» را قرار دهیم، وزن آن کلمه به دست می‌آید.
 معلوم ← حروف اصلی (ع ل م) ← مفعول
 غلیم ← حروف اصلی (ع ل م) ← فَعِيل

فعل و ضمیر

فعل: به کلمه‌ای گفته می‌شود که بر انجام دادن کار یا روی دادن حالتی در گذشته، حال و آینده دلالت می‌کند.

ماضی	ذَهَبَ: رفت
مضارع	يَذْهَبُ: می‌رود
انواع فعل	إِذْهَبْ: برو
نهی	لا يَذْهَبُ: نمی‌رود
نهی	لا تَذْهَبْ: نرو

در زبان فارسی فعل شامل اول شخص مفرد (رفتم)، دوم شخص مفرد (رفتی)، سوم شخص مفرد (رفت)، اول شخص جمع (رفتیم)، دوم شخص جمع (رفتید)، سوم شخص جمع (رفتند) است. برای تمامی این افعال در زبان عربی معادل وجود دارد.

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
من رفتم	تو رفتی	او رفت	ما رفتیم	شما رفتید	ایشان رفتند
أَنَا ذَهَبْتُ	أَنْتَ ذَهَبْتَ أَنْتِ ذَهَبْتِ	هُوَ ذَهَبَ هِيَ ذَهَبَتْ	نَحْنُ ذَهَبْنَا	أَنْتُمْ ذَهَبْتُمْ أَنْتُنَّ ذَهَبْتُنَّ	هَما ذَهَبَا هَما ذَهَبَتَا هَما ذَهَبُوا هَما ذَهَبْنَ
من می‌روم	تو می‌روی	او می‌رود	ما می‌رویم	شما می‌روید	ایشان می‌روند
أَنَا أَذْهَبُ	أَنْتَ تَذْهَبُ أَنْتِ تَذْهَبِينَ	هُوَ يَذْهَبُ هِيَ تَذْهَبُ	نَحْنُ نَذْهَبُ	أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ أَنْتُنَّ تَذْهَبْنَ	هَما يَذْهَبَانِ هَما تَذْهَبَانِ هَما يَذْهَبُونَ هَما يَذْهَبْنَ
تو برو	—	—	—	شما بروید	—
أَنْتِ إِذْهَبِي	—	—	—	أَنْتُمْ إِذْهَبُوا أَنْتُنَّ إِذْهَبْنَ	—
من نمی‌روم	تو نمی‌روی	او نمی‌رود	ما نمی‌رویم	شما نمی‌روید	ایشان نمی‌روند
أَنَا لَا أَذْهَبُ	أَنْتَ لَا تَذْهَبُ أَنْتِ لَا تَذْهَبِينَ	هُوَ لَا يَذْهَبُ هِيَ لَا تَذْهَبُ	نَحْنُ لَا نَذْهَبُ	أَنْتُمْ لَا تَذْهَبُونَ أَنْتُنَّ لَا تَذْهَبْنَ	هَما لَا يَذْهَبَانِ هَما لَا تَذْهَبَانِ هَما لَا يَذْهَبُونَ هَما لَا يَذْهَبْنَ
تو نرو	—	—	—	شما نروید	—
أَنْتِ لَا تَذْهَبِي	—	—	—	أَنْتُمْ لَا تَذْهَبُوا أَنْتُنَّ لَا تَذْهَبْنَ	—
من خواهم رفت	تو خواهی رفت	او خواهد رفت	ما خواهیم رفت	شما خواهید رفت	ایشان خواهند رفت
أَنَا سَأَذْهَبُ	أَنْتَ سَتَذْهَبُ أَنْتِ سَتَذْهَبِينَ	هُوَ سَيَذْهَبُ هِيَ سَتَذْهَبُ	نَحْنُ سَنَذْهَبُ	أَنْتُمْ سَتَذْهَبُونَ أَنْتُنَّ سَتَذْهَبْنَ	هَما سَيَذْهَبَانِ هَما سَتَذْهَبَانِ هَما سَيَذْهَبُونَ هَما سَيَذْهَبْنَ

یادآوری

۱) طریقه ساخت فعل امر: ۱- دوم شخص مفرد و جمع فعل مضارع (مخاطب) (تَذْهَبُ، تَذْهَبَانِ و ...) ۲- حذف حرف مضارعه از ابتدای فعل (ذَهَبَ، ذَهَبَانِ) ۳- آوردن همزه و مشخص کردن حرکت آن بر اساس حرکت عین الفعل (إِذْهَبْ، إِذْهَبَانِ) (اگر حرکت عین الفعل فتحه یا کسره باشد، حرکت همزه کسره است و اگر حرکت عین الفعل ضمه باشد، حرکت همزه ضمه است). ۴- ساکن کردن حرف آخر یا حذف نون به جز نون جمع مؤنث (إِذْهَبَا و ...). ۲) معادل فعل ماضی استمراری فارسی در زبان عربی به صورت «کان + فعل مضارع» است. مثال: هو کان یذهب: او می‌رفت.

حرف

به کلماتی گفته می‌شود که به تنهایی معنا نمی‌دهند و همراه با اسم و فعل معنا پیدا می‌کنند؛ **مثال** في (در)، علی (بر)، روی، مِنْ (از) و ...

ترکیب وصفی و اضافی

هرگاه دو اسم پشت سرهم بیایند، ما با «ترکیب اضافی» یا «ترکیب وصفی» روبه‌رو هستیم.

ترکیب وصفی

در این ترکیب به اسم اول موصوف و به اسم دوم صفت می‌گویند. **مثال** **کتاب مفید**
موصوف صفت

نکته صفت و موصوف از لحاظ شکل ظاهری (مطابقت در جنس، تعداد، داشتن یا نداشتن «ال» و حرکت) شبیه به هم هستند.

مثال کتاب مفید، کتابانی مفیدان

نکته صفت برای جمع‌های مکسر غیر عاقل به شکل مفرد مؤنث می‌آید. **مثال** الدَّرُّ الْمُنْتَشِرَةُ

نکته گاهی برای یک اسم، هم صفت می‌آید و هم مضاف‌الیه؛ مثلاً در زبان فارسی می‌گوییم: کتاب مفید من، یعنی ابتدا موصوف (مضاف) و بعد از آن صفت و در آخر مضاف‌الیه را می‌آوریم، ولی در زبان عربی ابتدا موصوف (مضاف) و بعد از آن مضاف‌الیه و در آخر صفت می‌آید. **مثال** کتابی المفید مضاف‌الیه صفت

ترکیب اضافی

در این ترکیب به اسم اول مضاف و به اسم دوم مضاف‌الیه می‌گویند. **مثال** **کتاب المعلم**
مضاف مضاف‌الیه

نکته مضاف هیچ‌گاه «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد. **مثال** **کتاب المعلم** x **کتاب المعلم** x **کتاب المعلم** ✓

نکته مضاف‌الیه می‌تواند، یک اسم خاص یا اسم «ال» دار یا ضمیر متصل یا یک اسم تنوین دار باشد.

مثال **کتاب علی** - **کتاب المعلم** - **کتاب طالب**
اسم خاص اسم «ال» دار ضمیر متصل اسم تنوین دار

مکالمه

جوازُ (التَّعَاوُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

گفت‌وگو (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف)

زائرُ مَرَقِدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ (عليه السلام)	أَحَدُ الْمُؤَظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ
(زائر (زیارت‌کننده) آرامگاه امیرالمؤمنین علی (عليه السلام))	(یکی از کارمندان در سالن فرودگاه)
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
(درود بر شما.)	(درود و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد.)
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحَ النَّورِ وَالسُّرُورِ.
(صبح به خیر ای برادرم.)	(صبح [شما پر از] نور و خوشی باد.)
كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟)	أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟ (من خوبم و تو چطوری؟)
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. (خوبم، شکر خدا)	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (ببخشید، تو کجایی هستی؟ (تو از کجایی؟))
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. (من از جمهوری اسلامی ایران هستم.)	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم شریف چیست؟)
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَمَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست؟)	إِسْمِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ. (اسم من عبدالرحمان است.)
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟ (آیا تا به حال به ایران سفر کردی؟)	لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ. (نه؛ متأسفانه. اما دوست دارم که سفر کنم.)
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانٍ! (اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!)	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. (اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت.)
فِي أَمَانٍ اللَّهِ. (در پناه خدا.)	فِي أَمَانٍ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. (در پناه خدا و حفظ او باشی، ای دوستم.)

تمارين كتاب درسى

التمرين الأول: ترجم هذه الجملة، واكتب نوع الأفعال. (این جمله‌ها را ترجمه کن، و نوع فعل‌ها را بنویس.)

اكتب رسالتك	نامه‌ات را بنویس. اكتب: فعل امر	لا تكتب على الجدار	روی دیوار ننویس. لا تكتب: مضارع نهی
اكتبوا واجباتكم	تکلیف‌هایتان را بنویسید. اكتبوا: فعل امر	هن لا يكتبن بسرعة	ایشان با سرعت نمی‌نویسند. لا يكتبن: مضارع منفی (نفی)
سأكتب درسي	درس را خواهم نوشت. سأكتب: فعل مستقبل	إننا سوف نكتب أبحاثاً	به راستی ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت. سوف نكتب: فعل مستقبل
ما كتبتم تمارينكم	تمرین‌هایتان را ننوشتید. ما كتبتم: ماضی منفی (نفی)	كانوا يكتبون بدقة	به دقت می‌نوشتند. كانوا يكتبون: معادل ماضی استمراری

التمرين الثاني: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة» (در دایره عدد مناسب را بگذار. «یک کلمه اضافه است.»)

- ۱- الشجرة (اخر) الف: من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض. (از سنگ‌های زیبای گران قیمت دارای رنگ سفید هستند.)
- ۲- الشمس (خورشید) ب: جذوتها مستعرة، فيها ضياءٌ وبها حرارةٌ منتشرة. (پاره آتش فروزان است، در آن روشنایی است و گرمایش پراکنده است.)
- ۳- القمر (ماه) ج: كوكب يدور حول الأرض؛ ضياءٌ من الشمس. (ستاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد؛ نورش از خورشید است.)
- ۴- الأنعم (نعمت‌ها) د: بخارٌ متراكمٌ في السماء ينزل منه المطر. (بخاری فشرده در آسمان که از آن باران می‌بارد.)
- ۵- العليم (ابر) هـ: من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة. (از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های گوناگون)
- ۶- الفستان (پیراهن زنانه) و: قطعةٌ من النار. (پاره‌ای از آتش)
- ۷- الدرر (مرواریدها)

پاسخ:

۱- (و) ۲- (ب) ۳- (ج) ۴- (اضافه آمده است.) ۵- (د) ۶- (هـ) ۷- (الف)

التمرين الثالث: ضع هذه الجملة و التراكيب في مكانها المناسب. (این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده.)

هؤلاء فائزات / هذان الدليلان / تلك البطارية / أولئك الصالحون / هؤلاء الأصدقاء / هاتان رُججتان

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تلك البطارية	هذان الدليلان	هاتان رُججتان	أولئك الصالحون	هؤلاء فائزات	هؤلاء الأصدقاء
آن باتری	این دو راهنما	این‌ها دو شیشه هستند.	آن درستان	این‌ها برندگان هستند.	این دوستان

التمرين الرابع: اكتب وزن الكلمات التالية و حروفها الأصلية. (وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

- ۱- ناصر، منصور، أنصار: وزنشان به ترتیب «فاعل، مفعول، أفعال» و ریشه آن‌ها «ن ص ر» است.
- ۲- صبار، صبور، صابر: وزنشان به ترتیب «فعل، فاعل، و ریشه آن‌ها «ص ب ر» است.

۱. اگر بعد از اسم اشاره، مشارالیه (اسمی که به آن اشاره می‌شود) «ال» داشته باشد (الصالحون)، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود.
۲. اگر بعد از اسم اشاره، مشارالیه بدون «ال» باشد (فائزات)، اسم اشاره بر اساس مفرد یا مثنی یا جمع بودن خودش ترجمه می‌شود.

❖ **التَّعْرِيفُ الْخَامِسُ:** ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (مترادفها و متضادها را در جای خالی مناسب بگذار.) = ≠

ضیاء / نام / ناچ / مسرور / قریب / جمیل / نهاییه / یمین / غالیة / شراء / مسموح / مُجَدِّ

رَحِيصَةٌ ≠ غَالِيَّةٌ	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ	يَسَارٌ ≠ يَمِينٌ	بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ
ارزان ≠ گران	مردود ≠ قبول	چپ ≠ راست	فروش ≠ خرید
بِدَايَةٌ ≠ نِهَائِيَّةٌ	بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ	رَقَدَ = نَامٌ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ
آغاز ≠ پایان	دور ≠ نزدیک	خوابید	زشت ≠ زیبا
نور = ضیاء	حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ	مُجْتَهِدٌ = مُجَدِّ	مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ
روشنایی	غمگین ≠ خوشحال	کوشا، تلاشگر	غیرمجاز ≠ مجاز

❖ **التَّعْرِيفُ السَّادِسُ:** ارْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت‌ها را بکش.)



التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا

یک ربع مانده به نه (هشت و چهل و پنج دقیقه)



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم (هشت و سی دقیقه)



الخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ

پنج و ربع (پنج و پانزده دقیقه)

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

إِنْحَتْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوِ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجَمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه متنی کوتاه یا جمله‌هایی به زبان عربی درباره بزرگی و عظمت آفریده‌های خداوند جست و جو کن، سپس آن را با کمک واژه‌نامه عربی - فارسی، به فارسی ترجمه کن.

جِبَالٌ كَبِيرُكُوهٍ فِي مَدِينَةٍ بَدْرَةٍ بِمُحَافَظَةِ إِيْلَام

کوه‌های کبیرکوه در شهر بدره در استان ایلام

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ آل عمران: ۱۹۱

«و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند] پروردگارا! این را بیهوده نیافریدی.»

سؤالات امتحانی درس

الف) تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ بِالْفَارْسِيَّةِ: (عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

- ۱- أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةِ.
- ۲- تِلْكَ الشَّجَرَةُ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ صَارَتْ شَجَرَةً.
- ۳- أَيُّهَا الطَّالِبُ، إِحْبَثْ وَ قُلْ: مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنَ الشَّجَرَةِ الثَّمَرَةَ؟
- ۴- لِلشَّمْسِ ضِيَاءٌ وَ جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَّةٌ وَ فِيهَا نَوْرٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ۵- هَلْ تَعْلَمُ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَ الشَّمْسَ فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟
- ۶- ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ وَ ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَةِ.
- ۷- أَوْجَدَ اللَّهُ فِي اللَّيْلِ الْقَمَرَ وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالذَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ.
- ۸- يُنْزِلُ اللَّهُ مِنَ الْغَيْمِ الْمَطَرَ.

ب) تَرْجِمِ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ: (آنچه زیرش خط است را ترجمه کن.)

- ۱۶- أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ:
- ۱۷- لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ:
- ۱۸- أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ:
- ۱۹- الشَّرَرَةُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ:

ج ترجمه: (ترجمه کن.)

- ۲۰ - هذه بطارية:
 ۲۱ - ذلك الصديق:
 ۲۲ - أولئك فائزات:
 ۲۳ - هؤلاء صالحون:
 ۲۴ - هؤلاء الزملاء:
 ۲۵ - هاتان التافذتان:

د کمل الفراغات في الترجمة: (جاهای خالی را در ترجمه کامل کن.)

- ۲۶ - «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»
 ۲۷ - أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ الْقَمَرَ.
 ۲۸ - إِحْثَ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ.
 ۲۹ - اللَّهُ زَانَ اللَّيْلِ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُتَشِيرَةِ.
 از آن خدایی است که و زمین را و و روشنایی را
 به شب پس در آن ماه را
 و این کیست که از آن ها را
 خدا شب را با مانند پراکنده

ه عین الترجمة الصحيحة: (ترجمه درست را مشخص کن.)

- ۳۰ - الدَّرَرُ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
 (۱) مروارید از سنگ‌های گران‌قیمت و زیبا دارای رنگ سفید است.
 (۲) مرواریدها از سنگ‌های زیبایی گران‌قیمت دارای رنگ سفید هستند.
 ۳۱ - هؤلاء فائزاتٌ يَلْعَبْنَ فِي الْمَسَابِقَاتِ وَ سَوْفَ يَنْجَحْنَ.
 (۱) اینان برنده‌هایی هستند که در مسابقات بازی می‌کنند و موفق خواهند شد.
 (۲) این برنده‌ها در مسابقات بازی می‌کنند و موفق خواهند شد.
 ۳۲ - «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»
 (۱) و در آفرینش آسمان و زمین می‌اندیشند که خدایا این را بیهوده نیافریده‌ای.
 (۲) و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند پروردگارا این را بیهوده نیافریدی.

و ترجم الأفعال التالية: (فعل‌های زیر را ترجمه کن.)

۳۳-

لا تَجْعَلْ:	إِحْثَا:	هَلَكْنَ:
ما شَرِئْتُمْ:	كانوا يَدْخُلُونَ:	لا تَزْرَعِي:
سَوْفَ يَنْفَعُ:	لا أَعْلَمُ:	سَتَكْتَبَانِ:

ز اجعل (= ≠) في الفراغات: (در جاهای خالی (= ≠) قرار بده.)

- ۳۴ - رَحِيصَةٌ ☐ غَالِيَةٌ مَمْنُوعٌ ☐ مَسْمُوحٌ نَاجِحٌ ☐ فَائِزٌ نَوْرٌ ☐ ضَوْءٌ رَقْدٌ ☐ نَامٌ يَسَارٌ ☐ يَمِينٌ

ح اكتب في الفراغات كلمة مناسبة: (در جاهای خالی کلمه مناسب بنویس.)

- ۳۵ - يوم السبت،، الإثنين،، الأربعاء.
 ۳۶ - الربيع،، الخريف،
 ۳۷ - الأول،، الثالث،، الخامس.
 ۳۸ - و و أصفر و و أخضر من الألوان.

ط عین الكلمة المناسبة للتوضيحات التالية: (کلمه مناسب را برای توضیحات زیر مشخص کن.)

- ۳۹ - بخار متراکم في السماء ينزل منه المطر.
 السماء ☐ الغيم ☐ الماء ☐ الذهب ☐ الأنعم ☐ الدّر ☐
 ۴۰ - كوكب يدور حول الأرض؛ ضياؤه من الشمس.
 النجم ☐ الدّر ☐ القمر ☐ القميص ☐ القستان ☐ السروال ☐
 ۴۱ - من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض.
 ۴۲ - من الملابس النسائية ذات الألوان الجميلة.

ي اكتب وزن الكلمات التالية: (وزن کلمه‌های زیر را بنویس.)

- ۴۳ - راسب: مسرور: إجتهاد:
 مختلقة: متراکم: قبیح:

ک اُزْشُم عَقاربِ السَّاعَاتِ: (عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.)

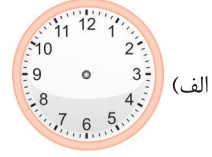
۴۴-



العاشرَةُ وَ النَّصْفُ



السَّادِسَةُ وَ الرَّبْعُ



الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعاً

ل اُكْمِلِ الْفَرَائِغَ حَسَبَ الْجَوَابِ: (جاهای خالی را طبق جواب، کامل کنيد.)

- ۴۵- سافرتَ إلى إيرانَ حتَّى الآنَ؟ - لا، مَعَ الأسَفِ.
 ۴۶- حالكُ؟ - أنا بخيرٍ، الحمدُ لله.
 ۴۷- أنتِ؟ - أنا عراقِيَّةٌ.
 ۴۸- اسمُكَ؟ - إسمي عليٌّ.

م اِنْتِخِبِ الْفِعْلَ الْمُناسِبَ لِلْفَرَائِغِ: (فعل مناسب را برای جاهای خالی انتخاب کن.)

- ۴۹- ، هُنا مَمْنوعٌ.
 ۵۰- أَيْهَا الصَّدِيقُ؛ لِمَاذَا واجِبُكَ أَمْسَ؟
 ۵۱- إلى التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ الْأَسْبُوعِ الْقَادِمِ.
 ۵۲- المَعْلَمُونَ عن حَلِّ لهذه المشكلة.
 ۵۳- لا تَقْتَرِبْ
 ۵۴- لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ شَيْئاً.
 ۵۵- إِنَّا نَبْحَثُ عَنْ أبحاثٍ في الإنترنت.
 ۵۶- ما جَاءَتِ الطَّالِبَةُ إلى المدرسةِ الْيَوْمَ.
 ۵۷- كَانَ الرُّمْلَاءُ يَخْرُجُونَ بِسُرْعَةٍ.
 ۵۸- يَدُورُ الطِّفْلُ حَوْلَ نَفْسِهِ.
 ۵۹- ما كَتَبْتَ لا تَكْتُبْ
 ۶۰- كَانُوا يَبْحَثُونَ كانَ يَبْحَثُ

ن اُكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ: (نوع فعل‌ها را بنویس سپس جمله را ترجمه کن.)

- ۵۳- سَافَرْتُ كِتَابِي وَ سَأَكْتُبُ دَرْسِي. /
 ۵۴- لا تَكْتُبُوا عَلَى الْجِدَارِ شَيْئاً. /
 ۵۵- إِنَّا نَبْحَثُ عَنْ أبحاثٍ في الإنترنت. /
 ۵۶- ما جَاءَتِ الطَّالِبَةُ إلى المدرسةِ الْيَوْمَ. /
 ۵۷- كَانَ الرُّمْلَاءُ يَخْرُجُونَ بِسُرْعَةٍ. /
 ۵۸- يَدُورُ الطِّفْلُ حَوْلَ نَفْسِهِ. /

س صَحِّحِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ فِي مَكَانِهَا الْمُناسِبِ: (کلمات زیر را در جای مناسب قرار بده.)

۵۹-

الأعداد - رُمان - مُجتهدین - مُنتَشِرَة - صَدِيقَتانِ - سَنَوَات - مُوظَّفین

- مفرد مؤنث:
 مفرد مذکر:
 جمع مکسر:
 مثنی مؤنث:
 مثنی مذکر:
 جمع مؤنث سالم:
 جمع مذکر سالم:

ع عَيِّنِ الْمَاضِي وَ الْمَضَارِعَ وَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ وَ النَّفْيَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (ماضی و مضارع و امر و نهی و نفی را در عبارات‌های زیر مشخص کن.)

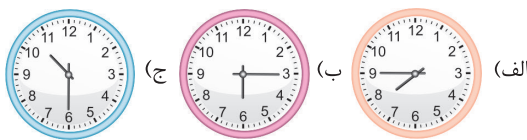
- ۶۰- هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ الْوَاجِبَاتِ بِسُرْعَةٍ.
 ۶۱- «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلاً»
 ۶۲- كَتَبَتْ الْمُجَاهِدَاتُ رِسَالَاتٍ إلى أَسْرَتِهِنَّ.
 ۶۳- يَا طُلَّابَ الصَّفِّ، اُكْتُبُوا تَمَارِينَكُمْ جَيِّداً.

ف اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (متن زیر را بخوان سپس به سوالات پاسخ بده.)

- «أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. إسمي حسينٌ. مَعَ الأسَفِ، ما سافَرْتُ إلى العراقِ حَتَّى الْآنَ لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ. شَاهَدْتُ زائِرَ مَرْقِدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ وَ سَأَلْتُهُ: هَلْ سافَرْتَ إلى التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ حَتَّى الْآنَ؟! أَجَابَ: لا، إِنَّ شاءَ اللَّهُ أَسَافِرُ الْيَوْمَ.»
 ۶۴- هَلْ يُسَافِرُ حُسَيْنٌ إلى التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ؟
 ۶۵- أَيْنَ شَاهَدَ حُسَيْنٌ الزَّائِرَ؟
 ۶۶- مَتَى يُسَافِرُ الزَّائِرُ مِنْ إِيْرانَ؟
 ۶۷- كَمْ فِعْلاً ماضِياً فِي النَّصِّ؟
 ۶۸- عَيِّنِ اسْماً على وزن «فَاعِلٍ».

پاسخ سؤالات امتحانی درس

۳۸. أَحْمَر (قرمز)، أَسْوَد (سیاه)، أَبْيَض (سفید)، أَزْرَق (آبی)
 ۳۹. بخاری متراکم (فشرده) در آسمان که از آن باران پایین می‌آید.
 ۴۰. آسمان ☐ ابر ☒ آب ☐
 سیاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد، نورش از خورشید است.
 ستاره ☐ مروارید ☐ ماه ☒
 ۴۱. از سنگ‌های زیبای گران قیمت دارای رنگ سفید.
 طلا ☐ نعمت‌ها ☐ مرواریدها ☒
 ۴۲. از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های زیبا.
 پیراهن مردانه ☐ پیراهن زنانه ☒ شلوار ☐
 ۴۳. رایب: فاعل مَسْرُور: مفعول إجتهد: إفعال
 مُخْتَلَفَة: مُفْتَعَلَة مُتْرَاكِم: مُتَّفَاعِل قَبِيح: فَعِيل



۴۴. هَلْ (آیا تا الآن به ایران مسافرت کردی؟ - خیر؛ متأسفانه).
 ۴۵. كَيْفَ (حالت چطور است؟ - من خوبم، شکر خدا).
 ۴۶. مِنْ أَيْنَ (تو اهل کجایی؟ - من عراقی هستم).
 ۴۸. مَا (اسمت چیست؟ - اسم من علی است).
 ۴۹. لَا تَقْتَرِبْ (نزدیک نشو؛ این جا ممنوع است).
 ۵۰. مَا كَتَبْتَ (ای دوست؛ چرا تکالیفت را دیروز ننوشتی؟)
 ۵۱. سَاسَافِرْ (هفته آینده به نجف اشرف مسافرت خواهم کرد).
 ۵۲. كَانُوا يَبْتَخُونُ (معلمان به دنبال راه حلی برای این مشکل می‌گشتند).
 ۵۳. سَافَرْتُ - سَأَكْتُبُ: فعل مستقبل (کتابم را خواهم خواند و درس را خواهم نوشت).
 ۵۴. لَا تَكْتُبُوا: مضارع نهی (بر دیوار چیزی ننویسید).
 ۵۵. بَتَحْتُ: فعل مضارع (همانا ما به دنبال پژوهش‌هایی در اینترنت می‌گردیم).
 ۵۶. مَا جَاءَتْ: ماضی نفی (منفی) (دانش آموز امروز به مدرسه نیامد).
 ۵۷. كَانَ: فعل ماضی + يَخْرُجُونَ: فعل مضارع ← معادل ماضی استمراری (هم‌شاگردی‌ها به سرعت خارج می‌شدند).
 ۵۸. يَدُورُ: فعل مضارع (کودک دور خودش می‌چرخد).
 ۵۹. مفرد مؤنث: مُنْتَشِرَة - مثنی مؤنث: صَدِيقَتَانِ - جمع مذکر سالم: مُجْتَهِدِينَ -
 مفرد مذکر: رَمَان - مثنی مذکر: مُؤَطَّفَيْنِ - جمع مؤنث سالم: سَنَوَات -
 جمع مَكْسَر: الأعداد
 ۶۰. لَا يَكْتُبْنَ: فعل مضارع نفی (منفی)
 ۶۱. يَتَفَكَّرُونَ: فعل مضارع - مَا خَلَفْتَ: فعل ماضی منفی
 ۶۲. كَتَبْتَ: فعل ماضی
 ۶۳. اَكْتُبُوا: فعل امر
 ترجمه متن: من از جمهوری اسلامی ایران هستم. اسم من حسین است. متأسفانه، تا الآن به عراق مسافرت نکرده‌ام ولی دوست دارم که مسافرت کنم. زائر مرقد امیر مؤمنان را در سالن فرودگاه دیدم و از او پرسیدم: آیا تا الآن به نجف اشرف مسافرت کرده‌ای؟! پاسخ داد: خیر، اگر خدا بخواهد امروز مسافرت می‌کنم.
 ۶۴. آیا حسین به نجف اشرف مسافرت می‌کند؟ لا (خیر)
 ۶۵. حسین زائر را کجا دید؟ في قَاعَةِ المطار (در سالن فرودگاه)
 ۶۶. زائر کی از ایران مسافرت می‌کند؟ اليوم (امروز)
 ۶۷. چند فعل ماضی در متن است؟ سِتَّة (شش): ما سافرت، شاهدت، سألت، سافرت، أجاب، شاء
 ۶۸. اسمی بر وزن فاعل را مشخص کن: زائر (بر وزن فاعل)

۱. به آن درخت که دارای شاخه‌های سرسبز است، نگاه کن.
 ۲. آن درخت از دانه‌ای رشد کرد و یک درخت شد.
 ۳. ای دانش آموز، تحقیق کن و بگو: کیست آن که از درخت میوه را درمی‌آورد؟
 ۴. خورشید روشنایی دارد و پاره آتش آن فروزان است و در آن نوری است و گرمایش پراکنده است.
 ۵. آیا می‌دانی این کیست که خورشید را در آسمان همانند پاره آتش پدید آورد؟
 ۶. آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است و دارای حکمتی کامل است.
 ۷. خدا در شب ماه را پدید آورد و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد.
 ۸. خدا از ابر باران را فرو می‌فرستد (نازل می‌کند).
 ۹. یکی از کارمندان را در سالن فرودگاه دیدم.
 ۱۰. همانا ما به دنبال پژوهش‌هایی درباره نعمت‌های خداوند خواهیم گشت.
 ۱۱. پیراهن از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های گوناگون است.
 ۱۲. در اینترنت یا کتابخانه به دنبال متنی کوتاه درباره بزرگی مخلوقات خدا بگرد.
 ۱۳. و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، پروردگارا این را ببهوده نیافریدی.
 ۱۴. کوه‌های کبیرکوه در شهر بدره در استان ایلام است.
 ۱۵. آشنایی در سالن فرودگاه نجف اشرف
 ۱۶. ابر - فرو فرستاد
 ۱۷. متأسفانه - که
 ۱۸. ریزان
 ۱۹. پاره آتش
 ۲۰. این یک باتری است.
 ۲۱. آن دوست
 ۲۲. آنان برندگان (برنده) هستند.
 ۲۳. اینان درستکاران هستند.
 ۲۴. این هم‌شاگردی‌ها
 ۲۵. این دو پنجره
 ۲۶. ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.
 ۲۷. به شب نگاه کن پس چه کسی در آن ماه را پدید آورد.
 ۲۸. جست‌وجو کن (بگرد) و بگو این کیست که از آن‌ها میوه را درمی‌آورد.
 ۲۹. خدا شب را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد.
 ۳۰. (۲) الذَّرَر: مرواریدها - الجميلة: زیبا - الغالية: گران قیمت
 ۳۱. (۱) هؤلاء فائزات: اینان برنده‌هایی هستند.
 ۳۲. (۲) السماوات: آسمان‌ها
 ۳۳. لَا تَجْعَلْ: قرار نده - إِيْحَا: بگردید - هَلَكْنَ: هلاک شدند - مَا شَرِبْتُمْ: ننوشتیدید - كَانُوا يَدْخُلُونَ: داخل می‌شدند - لَا تَزْعِي: نکار - سَوْفَ يَنْفَعُ: سود خواهد رساند - لَا أَعْلَمُ: نمی‌دانم - سَتَكْتَبَانِ: خواهند نوشت، خواهید نوشت
 ۳۴. رَخِيصَة (غالبه) ممنوع (مسموح) نَاجِح (فائز)
 (ارزان) (ممنوع) (مجاز) (برنده، پیروز)
 نُورٌ (نور، روشنایی) رَقْدٌ (خوابید) يَمِين (چپ) (راست)
 ۳۵. الأحد (یک‌شنبه)، الثلاثاء (سه‌شنبه)
 ۳۶. الصيف (تابستان)، الشتاء (زمستان)
 ۳۷. الثاني (دوم)، الرابع (چهارم)